

(عليه السلام)
شرح رساله حقوق امام سجاد



حجت الاسلام و المسلمین استاد
محمد جواد حاج علی اکبری

موضوع:

حق شکم (۴) / حق البطن (۴)

تاریخ ۱۳۹۳ / ۰۹ / ۰۹

■ خوراک و غذا نخستین عرصه‌ی آزمایش انسان

■ توبه‌ی آدم و حوا

■ برخی از عوامل، ریشه‌ها و زمینه‌های ابتلا به
حرام‌خواری

۱. خانواده

۲. غفلت

۳. حرص و آز

۴. تجمل و اسراف

۵. همنشینی با انسان‌های لاابالی

۶. عادی‌سازی حرام‌خواری توسط شیطان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 ر.ا.م.ه

در بحث حقوق اعضا که امام برای ما برشمردند، به حق شکم رسیدیم. دو نکته اینجا وجود دارد. نکته‌ی اول اینکه باید «الله اکبر» بگوییم، یعنی نعمت گوارش را بازبینی کنیم؛ نعمتی که به واسطه‌ی آن می‌توانیم از سایر نعمات الهی بهره ببریم. نکته‌ی دوم اینکه باید شکر کنیم و «الْحَمْدُ لِلَّهِ» بگوییم. بهره هر کس از سفره‌ی پر نعمت الهی رزق او می‌شود. وقتی ما با نگاه شکر به این نعمت بنگریم، خدای متعال ما را بزرگ می‌کند و بالا می‌برد.

■ خوراک و غذا نخستین عرصه‌ی آزمایش انسان

بحث‌های مربوط به حق شکم بسیار مهم و حساس است. عمدتاً از یک سو به دستگاه شگفت‌انگیز گوارش و سیستم تغذیه‌ی بدن ما برمی‌گردد که

پروردگار متعال از عجایب آفرینش خودش در وجود ما خلق کرده و در دسترس ما قرار داده است. از طرف دیگر یک خوان با کرامت و یک سفره‌ی متنوع و رنگارنگی است که خداوند کریم آن را در صحنه‌ی طبیعت و محیط این عالم در برابر انسان قرار داده است. این نعمت یکی از مهم‌ترین عرصه‌های امتحان برای انسان است؛ زیرا اولین امتحان انسان، با خوراک و غذا بود. آدم (علی نبینا و آله و علیه السلام) پدر همه‌ی ما است و نسل همه به وجود مقدس و نازنین آن بزرگوار و مادر گرامی‌مان حضرت حوا برمی‌گردد. ماجراهای مربوط به آدم و حوا (سلام الله علیهما)، ماجراهای بسیار سرنوشت‌سازی است؛ چون کاملاً نقشه‌ی راه، آفت‌ها، اولویتهای و مخاطرات را مشخص می‌سازد. سخن در این نکته است که قرآن می‌فرماید: «وَقُلْنَا يَا آدَمُ اسْكُنْ أَنْتَ وَزَوْجُكَ الْجَنَّةَ وَكُلَا مِنْهَا رَغَدًا حَيْثُ شِئْتُمَا وَلَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ فَتَكُونَا مِنَ الظَّالِمِينَ»، اما از این درخت و این میوه‌ی خاص اجتناب کنید. اگر اینجا غفلتی صورت گیرد و گرفتار این درخت ممنوعه شوید، از ظالمین محسوب خواهید شد. این نص قرآن کریم است که فرمود: به این درخت اصلاً

کجای آن خواهید فراوان بخورید و [لی] به این درخت نزدیک نشوید که از ستمکاران خواهید بود». به آدم خطاب کردیم: «اسْكُنْ أَنْتَ وَزَوْجُكَ الْجَنَّةَ»، تو و همسرت - این بانوی گرامی - در بهشت ساکن شوید. اولیاء خدا توضیح داده‌اند که این بهشت در همین دنیا تعبیه شده بوده است. یک بوستان متفاوت، مملو از نعمت‌های رنگارنگ با فضایی کاملاً آرام بود که آدم و حوا در آن، در آسایش و آسودگی بودند. به آنها اعلام بهره‌برداری شد: «وَكُلَا مِنْهَا رَغَدًا حَيْثُ شِئْتُمَا»، از سفره‌ی پربرکتی که اینجا برای شما فراهم است، شما دو نفر، هر بخشی را که علاقه‌مند هستید، می‌توانید بهره‌مند شوید و فیض ببرید؛ فقط یک استثنا دارد: «وَلَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ فَتَكُونَا مِنَ الظَّالِمِينَ»، اما از این درخت و این میوه‌ی خاص اجتناب کنید. اگر اینجا غفلتی صورت گیرد و گرفتار این درخت ممنوعه شوید، از ظالمین محسوب خواهید شد. این نص قرآن کریم است که فرمود: به این درخت اصلاً

نزدیک نشوید، تا چه رسد بخواید از آن بخورید. قرآن کریم در ادامه می‌فرماید: «فَأَزَلَّهُمَا الشَّيْطَانُ؛^۱ پس شیطان هر دو را از آن بلغزاند». شیطان آنها را وسوسه کرد. در سوره‌ی مبارکه‌ی اعراف - در آیاتی شبیه به همین آیات - توضیح داده شده که این وسوسه چیست: «وَقَاسَمَهُمَا إِنِّي لَكَمَّ لِمَنْ النَّاصِحِينَ»^۲ و [شیطان] برای آن دو سوگند یاد کرد که: من قطعاً از خیرخواهان شما هستم». شیطان به آدم و حوا گفت: اگر از این چیزی که گفته‌اند نخورید، بخورید، یا دو فرشته می‌شوید یا جاودانه خواهید شد. تعبیر قرآن این است: «يَا آدَمُ هَلْ أَدُلُّكَ عَلَى شَجَرَةِ الْخُلْدِ؟^۳ ای آدم، آیا تو را به درخت جاودانگی راه نمایم؟». پدر و مادر ما اینجا مرتکب این خطا شدند و در اولین امتحان که در مورد خوردنی و آشامیدنی بود، آسیب دیدند و به خطا رفتند. نتیجه این شد که از آن بوستان و بهشت خاصی که برای آنها در نظر گرفته شده بود، اخراج شدند. اتفاقاتی افتاد که در بعضی از سوره‌های دیگر تبیین شده

است؛ مثلاً عیب‌هایشان آشکار شد: «بَدَتْ لَهُمَا سَوْءَاتُهُمَا»^۵ برهنگی‌هایشان بر آنان آشکار شد. در سوره‌ی مبارکه‌ی بقره بعد از همین حادثه‌ای که اتفاق افتاد، فرمان هبوط صادر می‌شود و به آنها گفته می‌شود: «اهبطوا»^۶ فرود آیید. از اینجا خارج شوید، حکایت از این دارد که پایین بروید. «وَلَكُمْ فِي الْأَرْضِ مُسْتَقَرٌّ وَمَتَاعٌ إِلَىٰ حِينٍ»^۷ و برای شما در زمین قرارگاه، و تا چندی برخورداری خواهد بود. در زمین مدتی خواهید بود و بهره‌ی اندکی تا زمان اجل خواهید داشت. غرض از طرح این مسئله این بود که یادمان بیاید اولین امتحان مربوط به خوراک و غذا بوده است. اینکه خدا می‌گوید من شما را از این شجره نهی می‌کنم، ولی از سایر موارد هر چقدر دوست دارید میل کنید و بهره‌مند باشید، معنایش این است که امتحان حلال، طیب و پاکیزه خوردن و اجتناب از آنچه خدای متعال نهی و آن را حرام اعلام کرده، از جمله‌ی امتحانات بسیار مهم در زندگی همه‌ی ما انسان‌ها

است. ضمناً آشکار می‌شود از جمله اساسی‌ترین و سوسه‌های شیطان - که هیچ‌گاه دست از سر فرزندان آدم برنمی‌دارد و قسم خورده همه را گمراه و جهنمی کند - همچنان که در آن امتحان اول رُخ داد، و سوسه‌های مربوط به تغذیه و خوراک و رفتن سراغ موارد نهی‌شده و ابتلا انسان به این عرصه است. در آیات مربوط به غذا و خوراک، آنجا که خدای متعال اجازه می‌دهد و می‌فرماید: «كُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ»^۸ از نعمت‌های پاکیزه‌ای که روزی شما کرده‌ایم، بخورید، بعد می‌فرماید: «وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ»^۹ و در پی گام‌های شیطان مروید. یعنی مراقب گام‌ها، طرّاحی‌ها و دام‌های شیطان در این زمینه باشید. در تاریخ ماجرای نقل شده است، از شریک که در حضور مهدی عباسی مرتکب آن ماجرا شد و از مال حرام او خورد. او گمان می‌کرد آسان‌ترین خلاف را انجام می‌دهد، اما گرفتار بدترین‌ها شد و مرتکب گناہانی شد که از آنها پرهیز می‌کرد. این همان دام

شیطانی است. اینجا دام‌گاه شیطان است. محیط تغذیه‌ی ما دائم با ما مرتبط است. اشتها و تقاضا در وجود ما هست، پاسخ‌ش هم بیرون خلق شده و قرار گرفته است. موارد قُرق و نُهی و حدّ و مرزها هم تعریف شده است. اینجا جایی است که انسان باید مراقب باشد. کلمه‌ی «وَلَا تَقْرَبَا»^{۱۰} که به پدر و مادر ما گفته شد: نزدیک نشوید، ما بچه‌های آدم نیز بر اساس همان امتحان باید نزدیک آن نشویم. خود این نزدیک شدن، قرار گرفتن در محیط جاذبه‌ی شیطانی است. در همان آیات خداوند تبارک و تعالی به فرزندان آدم خطاب می‌کند: «يَا بَنِي آدَمَ لَا يَفْتِنَنَّكُمُ الشَّيْطَانُ كَمَا أَخْرَجَ أَبَوَيْكُم مِّنَ الْجَنَّةِ»^{۱۱} ای فرزندان آدم، زنهار تا شیطان شما را به فتنه نیندازد؛ چنان‌که پدر و مادر شما را از بهشت بیرون راند. بچه‌های آدم بنگرید چطور شیطان پدر و مادر شما را از آن بهشت و محیط پر از ناز و نعمت بیرون کرد، نکند شما را همان‌طور فریب بدهد. این عبرت پیش روی شما است.

حادثه‌ای که برای ریشه و اصل و بنیان و اساس شما، یعنی پدر و مادر همه‌ی بشریت اتفاق افتاد، شما در معرض چنین خطری هستید؛ لذا مراقب خودتان باشید. فراموش نکنیم که این دو بزرگوار، پدر و مادر همه‌ی ما و بسیار محترم هستند. نزد خدای متعال، اولیای الهی، انبیاء، پیامبر عظیم الشان ما و اهل بیت (صلواتُ الله و سلامُهُ علیهم اجمعین) و همچنین فرشتگان، جایگاهی ویژه و سمت پدری و مادری برای همه دارند؛ بنابراین این ماجراهای عبرت‌آموز باید در کمال احترام و ادب و تکریم نقل شود. البته این لغزش، ترک اولی بوده است؛ زیرا آنجا هیچ کاری برایشان حرام نبود؛ متها برای آنها خطائی بزرگی محسوب می‌شد که مجازاتش خیلی سنگین بود. به هر تقدیر آنها پشیمان شدند. از همانجا است که به آدم و حوا و فرزندان‌شان توبه آموزش داده شد و خداوند تبارک و تعالی مسیر بازگشت را هموار کرد. او اختیار و انتخاب را به ما امانت داد؛ لذا در معرض این لغزش‌ها هستیم

و شیطان نیز همواره در کمین ما است. اگر لغزشی اتفاق افتاد، راه بازگشت برای ما باز است. تا نفس می‌کشیم و زنده هستیم، امکان جبران و بازگشت و ترمیم خطا وجود دارد.

اما فراموش نکنیم که درباره‌ی لقمه‌ی حرام نگرانی‌های جدی‌ای وجود دارد؛ چراکه لعنت زمین و آسمان و فرشتگان را در پی دارد و عوارض روانی، روحی، عاطفی و نسلی خطرناکی بر جای می‌گذارد. بعضی که پدرشان اهل مراعات نبوده و چیزی را که از موارد حرام بوده به منزل آورده است، خودشان احساس می‌کنند این موارد عوارض بدی را در زندگی‌شان داشته است. نمونه‌هایی از این قبیل وجود دارد. البته راه بازگشت باز است. هر کس به هر نسبتی که به این آسیب مبتلا شده باشد، راهش بازگشت و توبه است.

■ توبه‌ی آدم و حوا

آدم و حوا شروع کردند با خدای متعال حرف زدن که خدایا ما

به خودمان ظلم کردیم: «قَالَ رَبَّنَا ظَلَمْنَا أَنْفُسَنَا وَإِنْ لَمْ تَغْفِرْ لَنَا وَتَرْحَمْنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ»^{۱۱} گفتند: پروردگارا، ما بر خویش‌تَن ستم کردیم و اگر بر ما نبخشایی و به ما رحم نکنی، مسلماً از زیانکاران خواهیم بود». به این ترتیب یک توبه‌ی اساسی انجام شد. «فَتَلَقَىٰ آدَمُ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ فَتَابَ عَلَيْهِ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ»^{۱۲} سپس آدم از پروردگارش کلماتی را دریافت نمود و [خدا] بر او ببخشد. آری، او توبه‌پذیر مهربان است». کلماتی از سوی خدای متعال در دسترس آدم قرار گرفت که مسیر توبه را برایش تسهیل کرد. او هم توبه کرد و خدای متعال هم توبه‌اش را پذیرفت. خدای متعال «تَوَّابٌ» و رحیم است، می‌بخشد و می‌آمرزد. کلماتی که حضرت آدم (علیه السلام و صَلَوَاتُ اللَّهِ وَ سَلَامُهُ عَلَيْهِ) برای نجات از آن وضعیت سخت و برای بازگشت به سوی خدای متعال به آن متمسک شد، چیزی جز اسماء نورانی پیامبر اعظم و ائمه‌ی هدی (صَلَوَاتُ اللَّهِ وَ سَلَامُهُ عَلَيْهِم أَجْمَعِينَ) نبود. شروع کرد

این نام‌های دلارا را برد و از خودش دل رفت و از فرشته‌ها دل برد و توبه‌اش پذیرفته شد و پاسخ را دریافت کرد.

آدم ز جنت آمد و ناله‌کنان نشست در جمع استجابت بی‌قید هر دعا

برخی از عوامل، ریشه‌ها و زمینه‌های ابتلا به حرام‌خواری

۱. خانواده

در اینجا برخی عوامل، ریشه‌ها، زمینه‌ها و بسترهای ابتلا به این گناه خطرناک و فجیع را بررسی می‌کنیم. نکته‌ی اول زمینه‌ی خانواده است. اینجا جسارتا باید خدمت پدر و مادرهای عزیز، مخصوصاً پدران بزرگوار، یادآوری کنیم. پدران که مسئولیت بزرگ نان‌آوری را در خانه دارند، باید مراقب باشند؛ چون اینجا فقط مسئله‌ی خودشان نیست، امانت‌های عزیزی نزد ایشان است: همسرانشان و سرمایه‌های زندگی و آینده و دنیا و آخرتش، یعنی فرزندان‌شان. عاقبت آنها و نسل آنها و همچنین موفقیت و

خوشبختی آنها در گرو غذایی است که در خانه می‌خورند. اگر پدر اینجا غفلت کند، هم خودش آسیب می‌بیند و در این آتش می‌سوزد، هم آتشی برپا کرده است که خانواده، عزیزان و نسلش را می‌سوزاند. قرآن کریم می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ»^{۱۳} ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خودتان و کسانی که را از آتشی که سوخت آن، مردم و سنگ‌ها است حفظ کنید». جالب است که در بسیاری از آیات مربوط به خوراک حرام، کلمه‌ی آتش استفاده شده است؛ مثلاً در این آیه: «إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَىٰ ظُلْمًا إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا وَسَيَصْلَوْنَ سَعِيرًا»^{۱۴} در حقیقت، کسانی که اموال یتیمان را به ستم می‌خورند، جز خود فرو می‌برند، و به زودی در آتشی فروزان درآیند». سخن از آتش است. از همینجا شروع می‌شود و می‌سوزاند. لقمه حرام سعادت‌سوز است.

۲. غفلت

نکته‌ی دوم از عوامل و زمینه‌ها، غفلت است. ممکن است کسی بر اثر غفلت، بی‌توجهی، ندانستن احکام، نشناختن مرزها، نشناختن آثار و عواقب، به لقمه حرام مبتلا شده باشد. راهش این است که همه‌ی ما باید به قرآن کریم و رساله‌ی عملیه مراجعه کنیم. در بخش احکام خوردن، آشامیدن، احکام معاملات، معاملات حلال، حرام و مرزها را باید مرتب شناسایی کنیم و از این احکام و حدود باخبر شویم. از آثارش هم با خواندن کتاب‌های اخلاق و کلمات اولیاء خدا آگاه شویم. از طرف دیگر ظرفیت مقاومت و مراقبت خودمان را افزایش دهیم. نگاه شرک‌آلود به رزق نکته‌ی مهمی است. گاهی وقت‌ها ما فراموش می‌کنیم که «إِنَّ اللَّهَ هُوَ الرَّزَّاقُ ذُو الْقُوَّةِ الْمَتِينُ»^{۱۵} خدا است که خود روزی‌بخش نیرومند استوار است». ضعف توکل و نگاه شرک‌آلود به روزی باعث می‌شود انسان در این بخش به حرام مبتلا شود. گاهی به معامله‌ی باطل تن می‌دهد و

گاهی به مصادیق حرام در این بخش مبتلا می‌شود. به علت سوءظنی که به خدای متعال دارد، خیال می‌کند رزقش دست این و آن است. خیال می‌کند از مسیرهای حرام هم می‌تواند بهره‌ی مناسبی داشته باشد و زندگی‌اش را اداره کند. باید یادمان باشد که حرام رزق نیست، حرام غضب است. آن چیزی که ما اجازه داریم - چه کمش، چه زیادش - آن رزق ما است که بر اساس تقدیر الهی برای برخی وسیع است و برای بعضی اندک: «اللَّهُ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَقْدِرُ»^{۱۶} خدا روزی را برای هر که بخواهد گشاده یا تنگ می‌گرداند». آنی که برای ما حلال است، آن رزق ما است. حرام رزق کسی نیست و اگر کسی بهره‌مند شد، آتش از جانب پروردگار عزیز و متعال رزق انسان شده است. برکت در تقوا است. قرآن کریم به صراحت تضمین داده است: «وَيَرْزُقُهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَمِنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا»^{۱۷} و از جایی که حسابش را نمی‌کند، به او روزی

می‌رساند و هر کس بر خدا اعتماد کند، او برای وی بس است. خدا فرمانش را به انجام رساننده است. به راستی خدا برای هر چیزی اندازه‌ای مقرر کرده است». از آیات تکان‌دهنده و در عین حال امیدبخش قرآن است که نشان می‌دهد خدای متعال هوای بنده‌هایش را دارد و کسی را در شرایط سخت قرار نمی‌دهد. اگر کسی، فردی، جامعه‌ای، خانواده‌ای، تقوا پیشه کند، «يَجْعَلُ لَهُ مَخْرَجًا»، شرایط ممکن است برایشان سخت و دشوار شود، اما بن بست ندارد. زندگی با تقوا یعنی زندگی بدون بن‌بست. انسان متقی به چه کنم چه کنم مبتلا نمی‌شود. نخ زندگی‌اش باریک می‌شود، اما پاره نمی‌شود؛ سخت می‌شود، اما بعدش آسانی و فرج خواهد بود. فقط باید به خدای متعال حُسن ظن داشته باشیم و به پروردگار عالم و قدرتش اعتماد کنیم و به محبت و لطف و رزاق بودنش ایمان بیاوریم. البته این جمله را هم در ادامه‌اش دارد: «وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا»، اولاً در کارش گشایش حاصل

می‌شود، ثانیاً «وَيَرْزُقَهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ»، از جایی که فکرش را نمی‌کند، خدای متعال برایش رزق می‌فرستد. از جایی که فکر نمی‌کنی رزق پاکیزه و مطهر به تو خواهد رسید. پس باید از نگاه شرک‌آلود بر حذر باشیم، موحد شویم، به توحید برگردیم و به پروردگار عزیز و متعال و مهربان توکل کنیم.

۳. حرص و آز

نکته‌ی دیگر که زمینه‌ساز ابتلا به حرام‌خواری است، حرص و آز است. زیاده‌خواهی، مواجهه‌ی حریصانه با دنیا، با متاع دنیا، با خورد و خوراک دنیا و حرص از عواملی است که انسان را بدبخت می‌کند. این از بسترها و زمینه‌های آسیب است. نقطه‌ی مقابلش هم به ما آموزش داده شده است: «وَلَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْهُمْ زَهْرَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا»^{۱۸} و زنهار به سوی آنچه اصنافی از ایشان را از آن برخوردار کردیم [و فقط] زبور زندگی دنیا است، دیدگان خود را مدوز». در دعای مکارم نیز از خدا درخواست

می‌کنیم: «لَا تَقْتَنِي بِالْظَّنْرِ»^{۱۹} و به نگاه کردن به حسرت در مال و منال و جاه و جلال توانگرانم دچار مکن». این قدر خیره خیره نگاه نکن، سهم تو برقرار است؛ لذا این قدر حریصانه با دنیا روبه‌رو نشو. زحمت بکش، کار کن، کار تمیز، حساب‌شده، در زندگی‌ات هم برنامه‌ریزی داشته باش، اما گرفتار حرص نشو. به دام حرص بیفتی، مبتلا به حرام‌خواری می‌شوی و چنانچه به حرام‌خواری مبتلا می‌شوی به لعن الهی مبتلا می‌شوی و بدبختی دامن تو را در دنیا و آخرت می‌گیرد. نقطه‌ی مقابلش قناعت است که درباره‌اش فرموده‌اند: «الْقَنَاعَةُ مَالٌ لَا يَنْفَدُ»^{۲۰} قناعت، ثروتی است تمام‌نشدنی». خدای متعال برای انسان راحتی را در قناعت قرار داده است. کسانی که حریص هستند، اگر همه‌ی اموال دنیا را هم به آنها دهند، همه‌ی خوراکی‌ها و نوشیدنی‌ها و پوشیدنی‌های دنیا را هم به آنها دهند، آرام نمی‌شوند. «چشمه‌ی چشم حریصان پُر نشد، تا صدف قانع نشد پُر دُر نشد». راه نجات

قناعت است.

۴. تجمل و اسراف

مطلب چهارم که کاملاً با بحث حرص و آز و طمع مرتبط است، تجمل و اسراف است. کلمه‌ی دام‌های شیطان است. اسراف در قرآن کریم با تَبذِير قرین شده است. در ارتباط با بحث‌های خورد و خوراک هم به ما گفته شده است: «كُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا»^{۲۱} بخورید و بیاشامید [ولی] زیاده‌روی مکنید». مواظب باشید به دام اسراف نیفتید. اگر انسان به دام اسراف بیفتد و به مسابقه‌ی بی‌سرانجام، فلاکت‌آفرین و بدبخت‌کننده‌ی تجمل و تجمل‌گرایی مبتلا شود، حتماً گرفتار دام حرام‌خواری خواهد شد و به ربا و خوردن مال یتیم و رشوه و از این قبیل بدبختی‌ها و مصیبت‌ها مبتلا خواهد شد. راه نجاتش این است که کَفِّ نَفْس داشته باشیم و بدانیم که مسابقه‌ی تجمل هیچ سرانجامی ندارد و خود را از مبتلا شدن به این دام خطرناک حفظ کنیم. اینجا جای همان یادآوری

«وَاتَّقُوا اللَّهَ؛ از خدا پروا کنید» است که ذیل آیات مربوط به خوردن و آشامیدن است.

۵. همشینی با انسان‌های لابلالی

نکته‌ی پنجم همشینی با افراد لابلالی است. شاعر در این باره بسیار زیبا گفته است: با بدان کم نشین که بد مانی، خوپذیر است نفس انسانی. مراقب باشیم با چه کسانی در ارتباط هستیم. همشینی فوق‌العاده مؤثر است. خیلی از حرام‌خواری‌ها پیشنهاد انسان‌های لابلالی است که با ما رفاقت دارند. اینها همان «شَيَاطِينِ الْاِنْسِ» هستند. زبان‌شان زبان شیطان است، فکرشان فکر شیطان است و شیطان آنجایی که از طریق ذهن ما نمی‌تواند ما را به حرام مبتلا کند، از طریق این ذهن‌های شیطانی، زبان‌های شیطانی، ایده‌های شیطانی و معاشرت‌های شیطانی ما را بیچاره می‌کند. باید مواظب این هم باشیم. قرآن کریم به همه‌ی ما دستور می‌دهد: «وَلَا تَطْعَمَنْ اَغْفَلْنَا قَلْبَهُ عَيْنٌ ذَكَرْنَا وَاتَّبَعَ هَوَاهُ وَكَانَ اَمْرُهُ فُرُطًا»^{۲۲} و از آن کس که قلبش را

از یاد خود غافل ساخته‌ایم و از هوس خود پیروی کرده و [اساس] کارش بر زیاده‌روی است، اطاعت مکن». از کسانی که ما یاد خودمان را از دل آنها گرفته‌ایم و از یاد خدا محروم هستیم، تبعیت نکنید و دنبال پیشنهادهای آنها نروید. به شما پیشنهاد می‌دهند، این معامله را انجام بده، این وام را بگیر. به این ترتیب شما را نَسْتَجِرُ بِاللَّهِ به ربا مبتلا می‌کنند. گفت: نخست موعظت پیر می‌فروش این است، که از معاشر ناجنس اجتناب کنید. باید انسان مراقب هم‌نشینی‌های خود باشد.

۶. عادی‌سازی حرام‌خواری

توسط شیطان

نکته‌ی ششم تسهیلات شیطانی برای عادی‌سازی است. شیطان یک طراح‌ی جدی در این بخش دارد که مسئله‌ی حرام‌خواری، لقمه‌ی حرام و امثال اینها را عادی کند. می‌گوید: همه دارند می‌خورند، حالا ما یک لقمه بخوریم که به جایی بر نمی‌خورد. مردم میلیاردی می‌خورند، مگر خبرهایش را نشنیدید؟ این حرف‌ها

بیهوده و باطل است. عادی‌سازی و کوچک‌سازی مسئله‌ی لقمه‌ی حرام ترفند شیطان برای فریب دادن ما است. روز قیامت باید جواب داد. جواب این حرف‌های شیطانی این آیه‌ی قرآن است: «قُلْ لَا يَسْتَوِي الْخَبِيثُ وَالطَّيِّبُ وَلَوْ أَعْجَبَكَ كَثْرَةُ الْخَبِيثِ؛^{۳۳} بگو: پلید و پاک یکسان نیستند، هر چند کثرت پلید [ها] تو را به شگفت آورد». ای پیامبر به اینها بگو پاک و خبیث، پاک و نجس یک اندازه و هم‌سان نیستند. اگرچه خبیث خیلی زیاد هم شود، اگر حرام‌خواری، لقمه‌ی حرام زیاد هم شود، مگر زیاد شدنش آن را از خبائثت و پلیدی‌اش می‌اندازد؟! اگر زیاد شود که بدتر است. باید مراقب دام خطرناک عادی‌سازی و کوچک‌سازی حرام باشیم. شیطان دو شگرد خاص دارد؛ یک شگردش کوچک‌سازی گناه است. گناه را خیلی تقلیل می‌دهد. یکی هم عادی‌سازی است. برای عادی‌سازی هم شگردش توسعه و شبیه‌سازی است. می‌گوید ببینید همه دارند می‌خورند؛ البته این هم دروغ بزرگی است، خیلی‌ها

هم مشغول حلال‌خواری هستند. حضرت فرمودند: کوچک شمردن گناهان از گناهان کبیره است. شیطان در لباس نصیحت‌کننده و ناصح ظاهر می‌شود، همان کاری که برای حضرت آدم و حضرت حوا انجام داد و به آنها گفت: «إِنِّي لَكُمْ لَمِنَ النَّاصِحِينَ؛ من قطعاً از خیرخواهان شما هستم». به این ترتیب آینده‌ی فرزندان و زندگی‌ات را کاملاً در دامن این گناه خطرناک می‌برد. تا کی می‌خواهی یک زندگی آب‌باریکه داشته باشی؟ فکری برای خودت بکن، تو از دیگران چه کم داری؟ با این جملات و توجیهات، شما را تا شجره‌ی ممنوعه و ابتلا می‌برد و بعد می‌ایستد به قهقهه زدن و خندیدن. وقتی آن نکبت زندگی آن شخص، ایمان و آرمانش را گرفت، شروع می‌کند به خنده‌های شیطانی. از شماتت شیطان به خدا پناه می‌بریم.



■ منابع و مأخذ:

۱. همان: ۳۵.
۲. بقره: ۳۶.
۳. اعراف: ۲۱.
۴. طه: ۱۲۰.
۵. اعراف: ۲۲.
۶. بقره: ۳۶.
۷. همان.
۸. بقره: ۱۷۲.
۹. همان: ۲۰۸.
۱۰. اعراف: ۲۷.
۱۱. همان: ۲۳.
۱۲. بقره: ۲۷.
۱۳. تحریم: ۶.
۱۴. نساء: ۱۰.
۱۵. ذاریات: ۵۸.
۱۶. رعد: ۲۶.
۱۷. طلاق: ۳.
۱۸. طه: ۱۳۱.
۱۹. صحیفه سجاده‌یه.
۲۰. نهج البلاغه، حکمت ۵۷.
۲۱. اعراف: ۳۱.
۲۲. کهف: ۲۸.
۲۳. مائده: ۱۰۰.
۲۴. اعراف: ۲۱.



افوفا؛ درنگی بر مسائل تعلیم و تربیت

OfoghHa.ir سامانه پیامکی: ۳۰۰۴۸۵۹۵۹

اثنیه‌ها، ساعت ۱۹

بازپخش دوشنبه‌ها، ساعت ۱۲



از شبکه قرآن و معارف سیما/ برنامه یاد خدا

